



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Jurisprudential and Legal Analysis of the Punishment for Moharebeh in Cases of Murder or Injury

Anahita Safapour^{*1},  Khatereh Shahinfard²

Received:

14 Feb 2025

Revised:

15 Mar 2025

Accepted:

18 Mar 2025

Available Online:

21 Mar 2025

Abstract

Background and Aim: Moharebeh is one of the most significant hadd crimes in Islamic jurisprudence, which is mentioned in verse 33 of Surah al-Ma'idah. In cases where the perpetrator of moharebeh commits murder or causes injury, the precedence and sequence of the punishment of qisas (retribution) and the hadd punishment for moharebeh, as well as the authority of the Islamic judge, have been subjects of dispute among Imami jurists. When the perpetrator of moharebeh commits murder or inflicts injury, extensive discussions have taken place regarding the manner of implementing the hadd punishment and how to reconcile hadd punishments with qisas. The main issue is whether, in the event of murder by the perpetrator of moharebeh, the Imam or Islamic judge still has discretion in choosing among the four hadd punishments, or if the punishment for murder becomes obligatory.

Materials and Methods: The research method in this article was descriptive-analytical.

Ethical Considerations All ethical principles have been followed in writing this article.

Findings & Conclusion: This article, by examining the opinions of Imami jurists from earlier scholars to contemporaries, analyzes three major views. The first view is the absolute discretion of the judge, even in cases involving murder. The second asserts that the punishment of death becomes mandatory if the mohareb commits murder, and the third differentiates between murder committed for the purpose of property acquisition and other motives. The article then comparatively and comprehensively examines these opinions in light of Articles 283 to 285 of the Islamic Penal Code, the Supreme Court's precedential rulings, and the advisory opinions issued by the Legal Department of the Judiciary. It demonstrates that the legislator of the Islamic Republic of Iran has adopted the theory of judicial discretion and has acted in accordance with the positions of later jurists. The article concludes that the basis of the law in this regard has rightly distinguished between people's private rights (qisas) and God's right (the hadd punishment for moharebeh), and that a reasonable consistency between jurisprudence and statutory law has been achieved.

Keywords:

Punishment for Moharebeh, Moharebeh, Hadd.

1* Ph.D Student, Department of Criminal Law & Criminology, Faculty of Humanity, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

Email: anahitasafapoor2021@gmail.com Phone: +989192089118

2 Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Faculty of Humanity, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

Please Cite This Article As: Safapour, A & Shahinfard, Kh (2025). "A Jurisprudential and Legal Analysis of the Punishment for Moharebeh in Cases of Murder or Injury". *Interdisciplinary Legal Research*, 6 (1): 23-34.



تحلیل فقهی - حقوقی حد محاربه در صورت ارتکاب قتل و یا جرح

آناهیتا صفاپور^{۱*}، خاطره شاهین‌فرد^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: anahitasafapoor2021@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: محاربه از مهم‌ترین جرائم حدی در فقه اسلامی است که در آیه ۳۳ سوره مائده به آن اشاره شده است. در فرضی که محارب مرتکب قتل یا جرح شود، سؤال از تقدم و تأخر مجازات قصاص و حد محاربه، همچنین اختیارات حاکم شرع، محل اختلاف میان فقهای امامیه است. در فرضی که محارب مرتکب قتل یا جرح گردد، بحث‌های دامنه‌داری پیرامون چگونگی اجرای حد و نحوه جمع میان حدود و قصاص شکل گرفته است. مسأله اصلی این است که آیا در صورت ارتکاب قتل توسط محارب، امام یا حاکم شرع همچنان در اجرای حدود اربعه مخیر است یا آنکه مجازات قتل تعیین می‌یابد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه به روش تحلیلی-توصیفی عمل شده است.

ملاحظات اخلاقی: تمامی اصول اخلاقی در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: این مقاله با بررسی آرای فقهای امامیه از متقدمان تا متأخران، سه دیدگاه عمده را تحلیل کرده است. اول، تخییر مطلق حاکم حتی در فرض قتل. دوم، تعیین قتل در صورت قتل توسط محارب و سوم، تفصیل بین قتل به قصد مال و غیر آن. سپس به تطبیق این نظرات با مواد ۲۸۳ تا ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی، آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به صورت تطبیقی و مشروح پرداخته و نشان داده است که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نظریه تخییر را پذیرفته و با فقه متأخر هماهنگ عمل کرده است. این مقاله نشان می‌دهد که مبنای قانون در این زمینه، به‌درستی بر تفکیک میان حق الناس (قصاص) و حق الله (حد محاربه) استوار شده و انسجام قابل قبولی میان فقه و قانون حاصل شده است.

کلمات کلیدی: حد محاربه، محاربه، حد.

مقدمه

محاربه یکی از مهم‌ترین جرائم در فقه کیفری اسلام و نیز قوانین جزایی ایران است. تعریف دقیق، مصادیق، و نحوه اجرای حد در این جرم به لحاظ آثار شدید آن نیازمند تحلیل دقیق فقهی و حقوقی است. در مواردی که محارب مرتکب قتل یا جرح شود، موضوع از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌شود و نظرات متعددی در این زمینه مطرح شده است. آیه ۳۳ سوره مائده به صراحت چهار نوع مجازات برای محارب در نظر گرفته و این پرسش را پیش روی فقیهان قرار داده که آیا این چهار نوع مجازات در اختیار حاکم به صورت تخییری قرار دارند یا در شرایط خاصی یکی از آن‌ها (به‌ویژه قتل) متعین می‌شود و اگر محارب در حین ارتکاب جرم، مرتکب قتل یا جرح شود، مجازات وی چگونه باید تعیین گردد؟ آیا قصاص مقدم است یا حد؟ آیا حاکم مخیر است یا حکم واحدی در همه موارد وجود دارد؟

این مسأله زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که محارب اقدام به قتل یا جرح نماید. در این حالت، تداخل احتمالی دو نوع مجازات (قصاص به عنوان حق الناس، و حد به عنوان حق الله) موجب شده فقیهان در تبیین حدود مسؤولیت حاکم شرع، اختلاف نظر پیدا کنند. برخی به اطلاق آیه و روایات استناد کرده و بر تخییر در تمام حالات پافشاری دارند، در حالی که برخی دیگر قائل به تعین مجازات قتل‌اند، و عده‌ای نیز تفصیل میان انگیزه قتل داده‌اند.

۲- بررسی مفاهیم

هدف از تشریع دین اسلام، اجرای عدالت و برابر بودن همه مردم از حیث انسانیت (اعم از رنگ، ملیت، سطح اجتماعی و...) و آسایش جامعه بشری است که با اجرای کامل حدود الهی، اموال، ناموس و جان مردم از هر خطری محفوظ می‌ماند؛ حتی امنیت بیگانگان نیز در سایه همین احکام تأمین می‌شود. افراد جنایتکاری که امنیت و آرامش عمومی را سلب کنند و اموال و ناموس مردم را تهدید نمایند و مردم را در معرض خطر قتل و غارت خود قرار دهند، باید سخت مجازات شوند (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۵/۵).

حرب به معنای جنگ و نقیض سلیم، آرامش و صلح است (فراهیدی، ۱۳۶۴: ۳۰۲/۱). محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد ترساندن مردم به نحوی که موجب ناامنی در جامعه شود؛ خواه در خشکی باشد یا در دریا، خواه شب باشد یا روز، در شهر یا بیابان، و فرقی نمی‌کند که به این عمل خود مرتکب قتل یا جرح و یا سرقت شده باشد یا خیر. (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی، درخصوص محارب، تصریح می‌کند: «راهنزان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند، محاربند».

در فقه امامیه، همین تعریف با اندکی اختلاف الفاظ پذیرفته شده است. مطابق با نظر مشهور فقهای امامیه، محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد ایجاد رعب و وحشت در جامعه، بدون توجه به این که مرتکب در نهایت مرتکب قتل یا سرقت یا جرح شده است یا خیر. حضرت امام (قدس) هم چنین بیان می‌دارند: «محارب کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۴: ۵۲۶).

مراد از محاربین در اصطلاح فقه کسانی هستند که برای ترساندن مردم سلاح بیرون می‌آورند، در هر شرایطی و توسط هر کسی که باشد و این هر نوع ترساندن را شامل نمی‌شود، بلکه منظور ترساندن از قتل، به قصد گرفتن مال دیگران است، آشکارا یا پنهان به گونه‌ای که اگر شخص از محارب نترسد (مقاومت کند) و مال خود را رها نکند، محارب او را کشته و مالش را می‌گیرد (فاضل، ۱۳۶۵: ۲۰۹/۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۰: ۶۶۴).

امام خمینی (قدس) افساد در زمین را از شروط محاربه می‌داند. صاحب جواهر هم همین تعریف را بیان کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۶۴/۴۱). گروهی از فقها ترساندن و ارعاب را به طور مطلق (نه برای گرفتن مال و راهنزی) در تعریف محاربه آورده‌اند. یعنی محاربه را به معنی کشیدن اسلحه برای ترساندن مردم می‌دانند: «محارب کسی است که سلاحش را برای ترساندن مردم برهنه کند؛ چه در دریا باشد یا خشکی و چه شب باشد یا روز و چه شهر باشد یا

برخی فقها با تفکیک بین جنبه حق‌اللهمی محاربه (که مربوط به حاکم است) و جنبه حق‌الناسی (مثل قصاص)، هر کدام از این مجازات‌ها را در جای خود مستقل می‌دانند.

آیت‌الله سیستانی در الفتاوی المیسره، بخش حدود، تصریح می‌کند: «در صورت وقوع قتل، قصاص جنبه خصوصی دارد و حد جنبه عمومی، و هر دو قابل اجرا هستند» شهید ثانی در مسالک الافهام به نحوی به این تفکیک اشاره دارد.

۱- آرای فقهی در مورد مجازات محارب در صورت ارتکاب قتل کلمات «تقتیل»، «تصلیب» و «تقطیع» از باب تفهیل است که شدت و حدت در معنای قتل، صلب و قطع را می‌رساند؛ پس این کلمات به معنای کشتن، دارزدن و بریدن به شدت است (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۳۲۷/۵).

سه نظر فقهی در این زمینه مطرح است:

۱-۱- تخییر مطلق حاکم (چه با قتل و چه بدون آن) در فقه امامیه، روایات متعددی درباره نحوه تعیین مجازات محاربه وجود دارد. برخی از این روایات به تخییر حاکم در انتخاب یکی از مجازات‌های چهارگانه اشاره دارند، در حالی که برخی دیگر بر تناسب مجازات با نوع جرم تأکید می‌کنند.

به‌عنوان نمونه، در صحیح‌ه برید بن معاویه آمده است که امام صادق (ع) در پاسخ به پرسشی درباره آیه محاربه فرمودند: «ذلک الی الإمام یفعل ما یشاء»؛ یعنی تعیین مجازات بر عهده امام است و او می‌تواند هر یک از مجازات‌ها را که صلاح بداند، انتخاب کند. اما در ادامه، امام تأکید می‌کنند که این اختیار مطلق نیست و باید بر اساس نوع جنایت تصمیم‌گیری شود: «ولکن نحو الجنایة»؛ یعنی باید تناسب بین جرم و مجازات رعایت شود.

همچنین، در صحیح‌ه عبید بن بشر، امام صادق (ع) در پاسخ به پرسشی درباره راهزن فرمودند: «لیس ائی شیء شاء صنع، ولکنه یصنع بهم علی قدر جنایتهم»؛ یعنی حاکم نمی‌تواند هر کاری که بخواهد انجام دهد، بلکه باید بر اساس میزان جنایت آن‌ها عمل کند.

روستا (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۹۵۹/۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۰۵/۳؛ شهید اول، ۱۴۱۱: ۲۶۳/۱).

از فقه‌های معاصرهم آیت‌الله سبحانی معتقد است: «محارب دو قید دارد؛ یکی اینکه می‌خواهد دین خدا را براندازد و از بین ببرد، ثانیاً می‌خواهد در زندگی مردم دخالت کند، یعنی آدم‌کشی و غارتگری نماید» (درس خارج فقه آیت‌الله سبحانی، ۹۸/۹/۱۱).

علامه طباطبائی در ذیل این آیه می‌نویسد: «مراد از محاربه، همان به فساد کشیدن زمین با راهزنی و اسلحه کشیدن و ناامن کردن راه‌هاست» (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۳۲۶/۵).

قرآن درخصوص مجازات راهزنان می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ...» (مائده/ ۳۳). (کیفر آنها که با خدا و پیامبر به جنگ برمی‌خیزند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند (و با تهدید به اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، یا اینکه اعدام شوند، یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از) دست راست و پای چپ آنها بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند).

در این آیه، چهار مجازات برای محارب بیان شده که به نظر مشهور فقه‌های امامیه، این مجازات‌ها تخییری بوده و حاکم شرع در انتخاب آن‌ها مختار است. روایات معتبر نیز عمدتاً دلالت بر تخییر دارند؛ به ویژه روایاتی که در آن‌ها امامان معصوم (ع) اختیار اجرای هر یک از مجازات‌های چهارگانه را به حاکم واگذار کرده‌اند.

۳- روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود.

بحث و نظر

اگر شخصی در حال ارتکاب محاربه، کسی را بکشد یا مجروح کند: آیا حاکم شرع در اجرای یکی از حدود محاربه (قتل، صلب، قطع اعضا، نفی بلد) مخیر است؟ یا با تحقق قتل، قصاص مقدم می‌شود؟ در صورت عفو ولی‌دم، آیا باز هم حاکم باید قتل را اجرا کند یا مخیر است؟ آیا انگیزه قتل (برای مال یا نه) تأثیر دارد؟

جرم و قاعده «الناس مسلطون علی دماء من یقتلهم ظلماً» پذیرفته‌اند، اما نص قانون فعلی چنین تفصیلی ندارد.

قول سوم، التفصیل بین ما إذا کان قتله طلباً للمال و بین ما إذا لم یکن كذلك، و اختاره المحقق فی الشرائع.

تفکیک بین حالتی که قتل به انگیزه مالی است و حالتی که این‌گونه نیست. مثلاً اگر محارب برای سرقت کشته، قتل تعیینی است؛ ولی اگر مثلاً از روی عناد یا انتقام بوده، شاید تخییر باقی بماند.

نویسنده معتقد است این تفصیل فاقد دلیل معتبر است، زیرا روایت محمد بن مسلم (صحیح معتبره) اطلاق دارد. بررسی حدیث محمد بن مسلم مؤید این امر است که اگر اولیای مقتول گذشت کردند، امام باید محارب را بکشد (نه اینکه مثلاً او را تبعید کند). به زعم نویسنده، اگر به این حدیث عمل شود، باید به ترتیب نیز پایبند بود (قتل در درجه اول، سپس سایر حدود)، اما چون فقها این ترتیب را نپذیرفته‌اند، دلیلی ندارد فقط این بخش از روایت را پذیرفت.

تحلیل نهایی فقهی این است که «الحق» آن اطلاق دلیل التخییر بحاله من دون فرق بین فرض القتل و غیره... به‌طور کلی، تخییر در انتخاب حد برای محارب، چه قاتل باشد چه نباشد، باقی است. و مجازات قصاص (که حق خصوصی است) با حد شرعی (که حق الهی است) نباید خلط شود.

مطابق این دیدگاه که مورد تأیید صاحب جواهر و تقویت‌شده در متن محل بحث است، حتی اگر محارب مرتکب قتل شده باشد، باز هم حاکم در انتخاب یکی از حدود اربعه (قتل، به دار آویختن، قطع عضو، نفی بلد) مختار است، مگر این که ولی دم خواستار قصاص باشد. حاکم شرع همواره در اجرای یکی از چهار حد، مخیر است، حتی اگر محارب مرتکب قتل شده باشد؛ مگر آن که ولی دم قصاص را مطالبه کند. طبق نظر صاحب جواهر (محمد حسن نجفی) «الظاهر من النص والفتوی تخییر الإمام بین الحدود الأربعة حتی مع القتل إذا عفا الولی». استناد او به اطلاق آیه و نبود دلیلی بر تعیین قتل است با تأکید بر اطلاق

این روایات نشان می‌دهند که اگرچه حاکم در انتخاب مجازات مخیر است، اما این اختیار باید با در نظر گرفتن تناسب بین جرم و مجازات اعمال شود.

از نظر امام (قدس) حد محاربه تخییر است: «بنا بر اقوی حاکم بین قتل و مصلوب کردن و قطع به‌طور مخالف و نفی بلد، مخیر است. و بعید نیست که برای حاکم بهتر باشد که جنایت را ملاحظه کند و آنچه که مناسب آن است، اختیار نماید» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۴: ۵۲۷/۲).

مطابق ماده ۲۸۲ و ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی، اگر محاربه صورت گیرد ولی منجر به قتل نشود، حاکم شرع در تعیین یکی از چهار حد (قتل، به دار آویختن، قطع دست و پا به‌طور معکوس، و نفی بلد) مخیر است.

اما اگر قتل از محارب صادر شده باشد، بین قائلین به تخییر سه قول وجود دارد.

قول اول، ثبوت التخییر فیہ ایضاً، و عدم تعین القتل علی الحاکم، و هو ظاهر الجواهر و صریح المتن.

همچنان تخییر باقی است، حتی اگر محارب قتل کرده باشد. این دیدگاه را صاحب جواهر و همین متن (فقهی) صراحتاً تأیید می‌کنند. در ماده ۲۸۳ نیز چنین اطلاقی وجود دارد و تخییر بدون قید ذکر شده است. در نتیجه، این قول با اطلاق قانونی همخوانی دارد.

قول دوم، تعین القتل علیه مطلقاً، سواء کان قتله طلباً للمال أو لا.

قتل در صورت قتل از سوی محارب، بدون هیچ تفاوتی (اعم از انگیزه مالی یا غیر مالی)، تنها مجازات ممکن است.

قول مفید در «المقنعة» و جماعه‌ای از فقها مانند صاحب «الروضة» بر آنند که در صورت قتل، فقط باید محارب کشته شود و سایر حدود کافی نیست.

با وجود اینکه ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد، برخی حقوقدانان ایرانی این تفسیر را با استناد به فلسفه شدت

آیه شریفه و روایات مربوط، قائل به تخییر حاکم است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۷۵/۲).

بر اساس نظر آیت‌الله خوئی «حيث إن القتل حصل، فذلك موضوع لحق الناس و هو القصاص، لا يمنع ذلك من اختيار الإمام أحد حدود المحاربة». تخییر حاکم در همه فروض باقی است، حتی در فرض قتل، مادام که ولی‌دم عفو کرده باشد ثبوت قصاص نافعی اجرای حد نیست، بلکه موضوع آن متفاوت است. او استناد به اطلاق ادله حد و تفکیک میان حق‌الناس (قصاص) و حق‌الله (حد) می‌کند (خویی، ۱۳۹۴: ۱۴۴/۲).

همچنین سیدعلی طباطبایی صاحب ریاض به تفکیک بین جنبه حق‌الناس و حق‌الله اشاره کرده و اختیار حاکم را باقی می‌داند. این نظر ناظر به تفکیک بین دو نوع مجازات است اول قصاص، ناظر به حق‌الناس، تابع مطالبه یا عفو ولی‌دم و دوم حد محاربه، ناظر به حق‌الله، و در فرض عفو ولی‌دم همچنان قابل اعمال است. این دیدگاه، مبتنی بر اصل تفکیک ماهیت دوگانه جرم محاربه است:

– جنبه اول، حق‌الناس در قالب قتل یا جرح است که قابل قصاص یا عفو است.

– جنبه دوم، حق‌الله بودن محاربه است که مجازات مستقل دارد و زوال یکی (مثلاً قصاص) مانع اجرای دیگری نیست.

از منظر اصولی نیز این نظر مستند به اطلاق دلیل قرآن و روایات و فقدان قرینه بر تقیید آن است. این دیدگاه که در آن حاکم حتی در فرض ارتکاب قتل توسط محارب، مخیر در انتخاب یکی از چهار حد شرعی است، در میان فقهای متأخر امامیه طرفداران زیادی دارد و بر اساس اطلاق آیه ۳۳ سوره مائده و تفکیک بین حق‌الله و حق‌الناس استوار است (طباطبایی، ۱۴۲۵: ۴۵۰/۲).

۱-۲- تعیین قتل در صورت قتل توسط محارب

بر اساس این دیدگاه که از شیخ مفید در المقنعه نقل شده و نیز از قول گروهی از اصحاب فقه است، «فإن قتل المحارب، وجب قتله، ولا يُكتفى بغير ذلك من الحدود». اگر محارب مرتکب قتل

شود، باید به قتل برسد و حاکم شرع مجاز به انتخاب حدود دیگر نیست. این نظر حتی عفو ولی‌دم را نیز بی‌تأثیر می‌داند و حدود دیگر کفایت نمی‌کند. تصریح می‌کند که اگر محارب مرتکب قتل شود، باید کشته شود و نمی‌توان به مجازات‌های دیگر اکتفا کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۲).

علامه حلی در تحریر الأحکام، به‌طور مطلق قتل را بر حاکم واجب می‌داند نیز به نحو اطلاق، این نظر را تقویت کرده و در آن تفصیلی نداده است قول به تعیین را از جماعتی از فقها نقل کرده و مورد تأیید قرار داده است (علامه حلی، بی‌تا: ۳۵۲/۱).

بر اساس نظر شهید اول «لو قتل المحارب تعین قتله، سواء قتل مكافئا أم لا، و سواء عفا الولی أم لا». (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۶۰/۲) شهید اول و شهید ثانی در اللعنة و مسالك، این نظر را به جمعی از فقهای متقدم نسبت داده‌اند.

این دیدگاه مبتنی بر برداشت خاص از آیه محاربه است؛ به‌گونه‌ای که قتل محارب به‌عنوان شدیدترین نوع محاربه تلقی شده و باید شدیدترین مجازات بر آن بار شود. همچنین برخی به روایت محمد بن مسلم استناد کرده‌اند که می‌گوید: «إن عفا أولیاء المقتول، فالإمام یقتله»، که بر لزوم قتل حتی با عفو دلالت دارد. این نظر اشکال دارد چون: روایت فوق مورد اعراض فقها قرار گرفته و مستند قوی نیست و همچنین با اصول عمومی فقه جزا در تعارض است چرا که نمی‌توان در فرض عفو ولی‌دم، مجازات قتل را تحمیل کرد مگر با دلیل خاص. این دیدگاه معتقد است که در فرضی که محارب مرتکب قتل شده باشد، حاکم شرع موظف به اجرای قتل است، حتی اگر ولی‌دم عفو کرده باشد. این نظر در میان فقهای قدیم ریشه دارد و به روایت محمد بن مسلم استناد می‌شود. این گروه، اطلاق آیه را منحصر به حالت‌های غیر از قتل می‌دانند و قائل به آن هستند که قتل محارب حکم شدیدتر دارد و نمی‌توان او را از طریق صلب یا تبعید مجازات کرد.

با ارتکاب قتل، حد محاربه به قتل تعیین پیدا می‌کند و حاکم موظف به اجرای قتل است، حتی در فرضی که ولی‌دم عفو کرده باشد (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۲).

۱-۳- تفصیل میان قتل برای مال و قتل بدون انگیزه مالی

مرحوم محقق در شرائع الاسلام قائل به تفصیل است؛ بدین معنا که اگر قتل با انگیزه مالی صورت گرفته باشد، تعیین قتل برای محارب قطعی است؛ ولی در غیر این صورت، امکان تخییر برای حاکم وجود دارد. البته این تفصیل با نقدهایی مواجه شده است. بر اساس آنچه در متن فقهی آمده، برخی فقها اشکالاتی را به نظر تفصیلی وارد کرده‌اند. از جمله، استناد به صحیح محمد بن مسلم که دلالت بر تعیین قتل در صورت عدم عفو ولی‌دم دارد، با فرض اعراض مشهور فقها از این روایت، اعتبار آن زیر سؤال می‌رود.

بر اساس دیدگاه ایشان اگر محارب کسی را به قصد سرقت مال بکشد، قتل او واجب است، و در غیر آن حاکم مخیر است. بر اساس نظر محقق حلی قائل به این تفصیل شده است و آن را با انگیزه قتل پیوند می‌دهد (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴/۲۴۵).

صاحب مدارک (محمد بن علی عاملی) این قول را بی‌نقد ذکر می‌کند که این تفصیل در روایات معتبر مستندی ندارد. صحیح محمد بن مسلم از امام صادق (ع) می‌فرماید «إِذَا عَفَا وَلِي الْمَقْتُولِ عَنِ الْمَحَارِبِ، فَلْيَقْتُلِ الْإِمَامَ» (حر عاملی، بی‌تا: ۳۲۷/۲۸). یعنی حتی با عفو، قتل واجب است؛ در حالی که این روایت در برخی موارد مورد اعراض فقها واقع شده و التزام آن دشوار است.

دیدگاه تفصیل میان قتل به انگیزه مالی و قتل بدون انگیزه مالی در مسأله محاربه یکی از نظرات فقهی قابل تأمل است که توسط برخی فقها مانند محقق حلی مطرح شده است. این دیدگاه به‌طور خاص در کتاب شرائع الاسلام آمده است، جایی که ایشان قائل به این است که اگر محارب، فردی را به قصد مال کشته باشد، اعدام او واجب است، اما اگر قتل او به انگیزه دیگری غیر از مال بوده باشد (مثلاً انتقامی یا صرف تهدید)، اختیار در حدود باقی است و حاکم می‌تواند یکی از چهار حد محاربه را اجرا کند.

محقق حلی در الشرائع این تفصیل را قائل شده، ولی ادله‌ای واضح در تأیید این تفصیل از روایات وجود ندارد. برای نمونه، صحیح محمد بن مسلم که از روایات محوری درباره محاربه

است، به‌صورت کلی و بدون تفصیل، در صورت عفو ولی‌دم، امام را ملزم به قتل محارب دانسته است (حر عاملی، بی‌تا: ۲۸/۳۱۹). بنابراین، بسیاری از فقها، از جمله سید ابوالقاسم خویی در مبانی تکمله المنهاج (خویی، ۱۳۹۴: ۴۸۸/۱) و صاحب جواهر در جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۷۰/۴۱) این تفصیل را فاقد دلیل معتبر دانسته و رد کرده‌اند.

اشکال مهمی که بر این تفصیل وارد است آن است که تفکیک بین انگیزه مالی و غیرمالی، در ظاهر ادله شرعی به‌صورت صریح نیامده است و اگر بنای فقیه بر عمل به صحیح محمد بن مسلم باشد، باید در اصل حکم هم بپذیرد که اگر ولی‌دم عفو نکند، حاکم باید محارب را بکشد، نه اینکه تفصیلی میان نوع قتل قائل شود.

۲- آرای فقهی در مورد مجازات محارب در صورت ارتکاب جرح

در فرضی که محارب مجروح کرده ولی به قتل نرسانده باشد: اول آنکه اگر ولی جرح، قصاص کند، حاکم همچنان مختار در اجرای حدود است در ثانی اگر ولی عفو کند، تخییر حاکم باقی است.

این تحلیل بر پایه همان مبنای تفکیک بین قصاص و حد است. فقهایی چون شهید ثانی و صاحب جواهر این نکته را تأکید کرده‌اند که جرح و قتل، تغییری در اصل اختیارات حاکم در حد محاربه نمی‌دهد.

برخی فقها، از جمله محقق حلی در شرائع الاسلام، قائل به تفصیل‌اند؛ بدین صورت که اگر محارب به قصد گرفتن مال قتل انجام دهد، قتل او واجب است، ولی اگر انگیزه مالی نداشته باشد، حاکم مخیر است این تفصیل فاقد نص خاص است و مبتنی بر تحلیل انگیزشی است که در آیه یا روایات نیامده.

فقهایی متأخر همچون خوئی و نجفی، این نظر را رد کرده‌اند و آن را فاقد حجت می‌دانند، چون اطلاق ادله محاربه تفصیل‌بردار نیست. اگر محارب تنها جرح وارد کند، طبق نظر اکثر فقها ولی مجروح حق قصاص دارد بنابر این نظر، اگر قتل در مسیر سرقت و طلب مال باشد، تعیین قتل محارب بر حاکم واجب است، اما

بر اساس ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورت قتل، قصاص اجرا می‌شود، مگر آنکه ولی‌دم عفو کند و همچنین طبق ماده قانون مذکور در صورت عدم وقوع قتل، حاکم مخیر در انتخاب حد است (دکتر خالقی، ۱۴۰۰: ۱۸۹).

مطابق ماده ۲۸۲ و ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی اگر محارب مرتکب قتل شود، در صورت مطالبه ولی‌دم، قصاص جاری می‌شود. بر اساس مواد ۲۸۳ و ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اگر محارب مرتکب قتل شود، قصاص بر اساس درخواست ولی‌دم اجرا می‌شود. پس از اجرای قصاص یا در صورت عفو، حاکم در اجرای حدود چهارگانه (ماده ۲۸۲) مختار است. این دیدگاه با نظر فقهای قائل به تخییر و تفکیک میان قصاص و حدود، تطبیق کامل دارد.

در صورتی که ولی‌دم عفو کند یا قتل محقق نشود، مجازات حدی طبق صلاحدید حاکم اجرا می‌شود. همان‌طور که در فقه امامیه آمده، قصاص به دلیل قتل، مجزا از حد محاربه بوده و ارتباطی به اختیار حاکم در اجرای حدود ندارد. این تفکیک در مواد ۳۸۳ و ۴۲۲ قانون نیز دیده می‌شود.

بر اساس ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی انتخاب هر یک از مجازات‌های مذکور در ماده (۲۸۲) به اختیار قاضی است. قاضی در تعیین نوع مجازات، حتی در صورت قتل توسط محارب، مخیر است. این ماده مستقیماً ناظر به تخییر است.

برخلاف ماده ۲۸۶ که درباره «مفسد فی الارض» است و اعدام را تنها مجازات در نظر گرفته، در ماده ۲۸۳ در خصوص محاربه، اختیار انتخاب مجازات به قاضی داده شده است. به عبارتی، حتی در صورت وقوع قتل، انتخاب نوع مجازات به اختیار قاضی است. بر اساس تبصره ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی در صورتی که محارب مبادرت به قتل کرده باشد، علاوه بر حد محاربه، قصاص نیز اعمال می‌شود که نشان دهنده حکم قتل محارب و رابطه با قصاص می‌باشد. لذا نکات کلیدی نکات کلیدی این تبصره نشان دهنده این است که اگر قتل صورت گرفته باشد، حق قصاص برای ولی‌دم محفوظ است و همچنین حد و قصاص قابل جمع می‌باشند و اگر ولی‌دم گذشت کند، حاکم همچنان مخیر در اجرای یکی از حدود است. اگر ولی‌دم

اگر انگیزه مالی در کار نباشد، حاکم مختار است. محقق حلی در شرائع الاسلام این تفصیل را بیان کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲۴۵/۴). صاحب مدارک (سید محمد عاملی) در مدارک الأحکام این نظر را بدون نقد جدی نقل می‌کند.

همان‌طور که در متن استدلالی نقل شده آمده، این تفصیل با روایت صحیح محمد بن مسلم تعارض دارد. از آن‌جا که فقها از این روایت اعراض کرده‌اند، نمی‌توان از آن به‌عنوان مبنای این تفصیل استفاده کرد. شخص محارب، به خاطر ایجاد رعب و وحشت بین مردم و فساد در زمین کشته می‌شود، نه به‌عنوان قصاص؛ لذا اولیای دم (کسانی که فرزندان و یا نزدیکان‌شان مورد جنایت محاربین واقع شده‌اند)، نمی‌توانند محارب را عفو کنند و با عفو خود، مانع از اجرای حکم شوند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۳۳۲/۵).

در روایتی ابوعبیده به امام باقر علیه‌السلام عرض می‌کند که اگر اولیای مقتول او را عفو کنند، باز هم کشته می‌شود؟ فرمودند: اگر او را عفو کنند، باز امام باید او را بکشد؛ چون او محارب است، هرچند که قاتل و سارق نیز هست؛ ابوعبیده می‌پرسد: اولیای مقتول می‌توانند از او خون‌بها بگیرند و رهایش کنند؟ فرمودند: نه، باید کشته شود. این شدت عمل اسلام در مورد محارب، برای حفظ خون‌های بیگانه‌ها و جلوگیری از تجاوزهای افراد قلدر، جانی، چاقوکش و آدم‌کش نسبت به جان، مال و ناموس مردم بی‌گناه است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۶۱/۴).

۳- بررسی حقوقی در فرض ارتکاب قتل توسط محارب ۳-۱- تطبیق نظر به تخییر مطلق حاکم با قانون مجازات اسلامی

قانون‌گذار با اتخاذ نظریه تفکیکی، میان قصاص به‌عنوان حق الناس و حد محاربه به‌عنوان حق الله تمایز قائل شده و از قول مشهور فقهای متأخر تبعیت کرده است. نظریه‌ای که مورد تأیید فقهای چون آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۳۹۴: ۱/۴۰۵)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۵/۴۱) و نیز تحلیلگران حقوقی معاصر مانند دکتر اردبیلی (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۳/۲۷۵) قرار دارد.

(۵۵) و نیز تحلیلگران حقوقی معاصر مانند دکتر اردبیلی (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۳/ ۲۷۵) قرار دارد.

لازم به ذکر است که ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی مشعر این امر است که حاکم مخیر است که یکی از حدود را اجرا کند. تبصره ماده فوق نیز اشعار بر این امر دارد که اگر اقدام محارب منجر به قتل شده باشد، امکان قصاص نیز هست. اما این در حیطة «حق الناس» است، نه حد.

در چند نظریه مشورتی، تأکید شده که در صورت وقوع قتل، ولی دم می‌تواند مطالبه قصاص کند ولی قصاص، حد محاربه نیز باید اعمال شود (ولو تخییری باشد). همچنین هیچ رأی وحدت رویه‌ای که تخییر در صورت قتل را رد کند، موجود نیست. اکثریت رویه‌ها قائل به جواز همزمان قصاص و اجرای حد (به انتخاب حاکم) هستند.

۳-۲- تطبیق نظر تعین قتل در صورت قتل با قانون مجازات اسلامی

تعین قتل در صورت وقوع قتل، اگرچه نزد برخی معتبر است، ولی به علت ضعف ادله تعیینی، مورد پذیرش عموم نیست، همچنین تفکیک میان قتل برای مال و غیر آن، فاقد پشتوانه متقن است. همچنین بر اساس ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: اعدام، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ، نفی بلد.

در قانون مجازات اسلامی، نص صریحی وجود ندارد که در صورت ارتکاب قتل توسط محارب، اعدام را تعیناً الزام‌آور بداند. اما برخی استنباط می‌کنند که با توجه به اصول فقهی، در صورت وقوع قتل، فقط مجازات اعدام قابل اجراست. بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز که نزدیک به این بحث است و اشعار می‌دارد: «هرکس به‌طور گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق، تخریب، پخش مواد سمی و... به‌نحوی که موجب اخلال شدید در نظم عمومی یا ناامنی گردد، مفسد فی‌الارض محسوب می‌شود و به اعدام محکوم می‌گردد». در

قصاص را بخواهد، ابتدا قصاص اجرا می‌شود، سپس حد محاربه می‌تواند اجرا شود؛ مثلاً اگر قصاص با دار زدن انجام نشود، امکان اجرای صلب باقی است (آقای، ۱۳۹۶: ۲/ ۳۴۵).

قانون مجازات اسلامی نیز با قول قوی‌تر فقهی هم‌سو است و جنبه قصاص و حد را از هم تفکیک می‌کند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۲۸۲ تا ۲۸۷، به‌وضوح دیدگاه نخست (تخییر حاکم) را پذیرفته است. بر اساس ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی محارب به یکی از مجازات‌های چهارگانه (قتل، صلب، قطع از خلاف، تبعید) محکوم می‌شود. انتخاب نوع مجازات با نظر قاضی است. بر اساس ماده ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر محارب مرتکب قتل شود، علاوه بر حد، قصاص نیز ثابت می‌شود و همچنین بر اساس ماده ۲۸۵ قانون مذکور در صورت عفو ولی دم، مجازات حدی قابل اجراست (خالقی، ۱۴۰۰: ۱۸۹).

قانون مانند اکثر فقها، ترتیب خاصی میان این مجازات‌ها قائل نشده است. در تمایز بین «حد» و «قصاص» در نظام حقوقی ایران، قصاص حق الناس است و به درخواست ولی دم انجام می‌شود لذا قابل گذشت است و حد حق الله بوده و توسط حاکم شرع اجرا می‌شود لذا قابل تخییر و تابع مصلحت عمومی است، در نتیجه حتی اگر قصاص انجام نشود (مثلاً ولی دم گذشت کند)، حاکم شرع موظف است یکی از حدود را برای محاربه اجرا کند.

لذا مبرهن است که قانون مجازات اسلامی به‌درستی میان دو حق تفکیک کرده حق الناس (قصاص) که با عفو ساقط می‌شود. و حق الله (حد محاربه) که باقی است و حاکم در آن مخیر است. این ساختار منطبق بر رأی متأخرین و فقه‌های تحلیل‌گر (خوئی، نجفی، طباطبایی) است و برخلاف دیدگاه‌های سنتی متعین‌نگر عمل کرده است.

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با پذیرش نظریه تفکیکی میان «قصاص» به‌عنوان حق الناس و «حد محاربه» به‌عنوان حق الله، از قول مشهور فقه‌های امامیه پیروی کرده است؛ نظریه‌ای که مورد تأیید فقه‌هایی چون آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۳۹۴: ۱/ ۴۰۵)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/

اینجا نیز تأکید بر اعدام به‌عنوان تنها مجازات در مواردی خاص دیده می‌شود.

بر اساس نظریه مشورتی شماره ۳۰۶۴/۹۵/۷ مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۹۵ اداره حقوقی قوه قضائیه: در صورت ارتکاب قتل توسط محارب، اقدام مزبور علاوه بر اینکه موجب صدق عنوان محاربه می‌شود، مشمول عنوان مجرمانه قتل عمد نیز هست. بنابراین، در فرض مطالبه قصاص از سوی اولیای دم، حکم به قصاص نفس مانعی ندارد. یعنی قتل و محاربه دو عنوان جداگانه می‌باشند و می‌توان محارب را به قصاص محکوم کرد که حد محاربه هم بسته به نظر قاضی اجرا می‌شود.

دیدگاه تعیین قتل توسط محارب که در فقه توسط محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۶۲/۴) مطرح شده و توسط برخی از فقهای سنت‌گرا پذیرفته شده، به دلیل فقدان نص قطعی و نبود پشتوانه اجماعی، از سوی اکثر فقهای متأخر و حقوقدانان معاصر پذیرفته نشده است. در قانون مجازات اسلامی نیز، نص صریحی که دلالت بر الزام اعدام در صورت قتل توسط محارب داشته باشد، وجود ندارد (خالقی، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

۳-۳- تطبیق نظر تفصیل میان قتل برای مال و غیر آن با قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز هیچ‌گونه تفصیلی میان انگیزه قتل محارب قائل نشده است. در ماده ۲۸۳ آمده است «هر کس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به سلاح ببرد، محارب است...» در ماده ۲۸۴ نیز به صراحت آمده که مجازات محارب یکی از چهار مورد است: اعدام، صلب، قطع دست و پا یا تبعید، و انتخاب آن به اختیار قاضی است و در ماده ۲۸۵ تصریح می‌شود که در صورت ارتکاب قتل، حق قصاص برای اولیای دم محفوظ است.

قانونگذار در ایران، همچون بیشتر فقهای معاصر، تفصیل میان قتل برای مال و قتل بدون انگیزه مالی را نپذیرفته و اختیار اجرای حد را به قاضی واگذار کرده است، بدون توجه به انگیزه خاص در قتل. اگرچه حق قصاص مستقل از حد در موارد قتل باقی است، اما این مسأله به حوزه حقوق الناس مربوط است، نه حدود الهی. لذا دیدگاه تفصیلی محقق حلی مبنی بر الزام

قتل محارب تنها در صورتی که قتل به قصد مال بوده باشد، هم از منظر فقهی فاقد پشتوانه محکم است و هم در نظام حقوقی ایران پذیرفته نشده است.

۴- بررسی حقوقی در فرض ارتکاب جرح توسط محارب

در فرضی که محارب مرتکب جرح (آسیب جسمی غیر منتهی به فوت) شده باشد، بررسی حقوقی آن نیز مانند مورد قتل، نیازمند تفکیک عناوین مجرمانه و مجازات‌ها است:

۴-۱- تعدد عناوین مجرمانه: محاربه + جرح عمدی

محاربه، جرمی حدی است که مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عبارت است از: کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود، در مقابل، جرح عمدی نیز یک جرم مستقل است که مطابق مواد ۳۸۶ به بعد همان قانون، قابل مجازات با قصاص عضو یا دیه می‌باشد.

لذا جرح، عنوان مستقل کیفری دارد. محاربه نیز مستقل است و در صورتی که جرح همراه با ارباب و ایجاد ناامنی باشد، می‌تواند عنوان محاربه را محقق کند (ماده ۲۷۹ ق.م.ا.).

مطابق ماده ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی در صورتی که شخصی مرتکب جرمی شود که هم مستوجب حد و هم مستوجب قصاص یا دیه باشد، هر یک حسب مورد قابل اجراست. این امکان اجرای هم‌زمان هر دو مجازات را فراهم می‌سازد، به شرط آن‌که اجرای یکی مانع اجرای دیگری نباشد. ترتیب اجرای آن‌ها نیز با توجه به قاعده تقدیم حق الناس بر حق الله و طبق مصلحت قضایی تعیین می‌شود (آقای، ۱۳۹۶: ۳۵۲).

۴-۲- مجازات جرح عمدی توسط محارب

مطابق قانون در صورت مطالبه مجنی‌علیه یا ولی دم، قصاص عضو یا دیه طبق مواد ۳۸۶ و ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی قابل اجراست و هم‌زمان، اگر شرایط محاربه نیز وجود داشته باشد، حد محاربه بر اساس مواد ۲۸۲ و ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی نیز قابل اجرا است.

بر اساس مواد ۲۸۳ الی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فرض ارتکاب قتل، اولویت با قصاص به عنوان حق الناس است و ولی دم مخیر به مطالبه قصاص یا عفو است و در صورت اجرای قصاص یا عفو، حاکم شرع می تواند حد محاربه را اعمال کند که این رویکرد مبتنی بر تفکیک میان جنبه حق الناسی و حق الهی جرم است. در نتیجه، قانون مجازات اسلامی رویکرد تخییر را پذیرفته و نظر مشهور فقهی معاصر را تأیید کرده است.

لازم به ذکر است اگر محارب مرتکب قتل شود، دو عنوان مجرمانه مستقل (محاربه و قتل عمد) مطرح می شود که در صورت مطالبه ولی دم، قصاص قابل اجراست (با استناد به نظریه مشورتی) و اجرای حد محاربه نیز ممکن است بسته به شرایط و تشخیص قاضی متفاوت باشد، همچنین اعدام به عنوان تنها مجازات محارب قاتل، در قانون تصریح نشده است اما در فقه مورد نظر برخی فقها می باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- آقایی، محمد (۱۳۹۶). شرح جامع قانون مجازات اسلامی. جلد دوم، چاپ اول. تهران.

طبق مواد ۲۷۹ تا ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۸۰ قانون مذکور که بیان می دارد هرگاه کسی مرتکب جرمی شود که هم مستوجب حد و هم مستوجب قصاص یا دیه باشد، هر یک از آن ها حسب مورد قابل اجراست، بنابراین، در فرض ارتکاب جرح توسط محارب، جرح بر اساس قواعد قصاص عضو یا دیه بررسی خواهد شد و محاربه نیز به عنوان جرم حدی مستقل پیگیری می گردد.

همچنین بر اساس نظریه مشورتی شماره ۳۴۴۷/۹۹/۷ مورخ ۲۷/۲/۱۳۹۹ اداره حقوقی قوه قضائیه که تصریح می دارد: اگر شخصی در حین محاربه، مرتکب جرح عمدی شود، در صورت مطالبه مجنی علیه یا ولی دم، اجرای قصاص یا دیه از جهت جرح، مانع اجرای حد محاربه نخواهد بود، لذا جرح عمدی و محاربه، دو جرم مستقل اند که هر کدام مجازات جداگانه دارند و قصاص یا دیه بابت جرح قابل اجراست، حتی اگر حد محاربه نیز جاری باشد (ماده ۳۸۰ ق.م.ا).

همچنین هیچ کدام مانع اجرای دیگری نیست، مگر اینکه اجرای یکی، اجرای دیگری را غیرممکن یا بی اثر کند (مثلاً اجرای قصاص عضوی که پیش از آن باید مجرم اعدام شود) لازم به ذکر است که ترتیب اجرای آن ها بسته به مصلحت قضایی و تقدم حقوق الناس (قصاص) بر حقوق الله (حد)، طبق رویه قضایی، قابل تعیین است.

نتیجه گیری

حاکم حتی در فرض ارتکاب قتل توسط محارب، مخیر در انتخاب یکی از حدود چهارگانه است. این نظریه نظر مشهور فقهای متأخر از جمله صاحب جواهر و امام خمینی (ره) است. برخی فقها مانند شیخ مفید و علامه حلی معتقدند در صورت ارتکاب قتل، فقط باید مجازات قتل اجرا شود و تخییر منتفی است. گروهی دیگر بین قتل برای مال و قتل بدون انگیزه مالی تفصیل قائل شده اند؛ به این صورت که در قتل برای مال، قتل متعین است، و در غیر آن تخییر باقی می ماند و همچنین در فرض ارتکاب جرح بدون قتل، مشهور فقها معتقدند که ولی مجروح حق قصاص یا عفو دارد و پس از آن، حاکم می تواند یکی از حدود چهارگانه محاربه را اعمال کند.

- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی* / *تحریر الفتاوی*. جلد سوم، چاپ دوم، قم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۰). *حقوق جزای اختصاصی*. جلد سوم، چاپ چهارم، تهران.
- حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. جلد پنجم، چاپ پنجم، قم.
- خالقی، علی (۱۴۰۰). *جرایم علیه اشخاص*. چاپ هفتم، تهران.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۳۹۴). *مبانی تکملة المنهاج*. جلد اول، چاپ سوم، قم.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۱). *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*. جلد اول، چاپ سوم، قم: دارالفکر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*. چاپ سوم، قم.
- شیخ مفید، محمد (۱۴۱۰). *المقنعة*. چاپ دوم، قم.
- طباطبائی، سید علی (۱۴۲۵). *ریاض المسائل*. چاپ سوم، قم.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۵). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد پنجم، چاپ پنجم، تهران.
- فاضل جواد، جواد بن سعد بن جواد کاظمی (۱۳۶۵). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*. جلد چهارم، چاپ سوم، تهران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۴). *کتاب‌العین*. جلد اول، چاپ سوم، قم.
- قوه قضائیه، اداره حقوقی (۱۳۹۵). *نظریه مشورتی شماره ۳۰۶۴/۹۵/۷ مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۹۵*. تهران.
- قوه قضائیه، اداره حقوقی (۱۳۹۹). *نظریه مشورتی شماره ۳۴۴۷/۹۹/۷ مورخ ۲۷/۲/۱۳۹۹*. تهران.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *سرائع الاسلام*. جلد چهارم، چاپ سوم، قم.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۰). *زبدۃ‌البیان فی براهین احکام القرآن*. چاپ سوم، نجف.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۴۰۰). *تفسیر نمونه*. جلد چهارم، چاپ دوم، تهران.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۴). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح سرائع الاسلام*. جلد چهل و یکم، قم.